

Journal of Islamic Human Rights

Volum 1, Consecutive Number 1, 2024

Journal Homepage: <https://islamichumanrights.ir/>

This is an Open Access paper licensed under the Creative Commons License CC-BY 4.0 license.



Foundation's Treatment of The Dignity of The Victim In The Context of Philosophical and International Views of Human Dignity

Mehrdad Rayejian Asli^{ID}

Assistant Professor of Criminal Law & Criminology, The Institute for Research and Development in The Humanities (SAMT), Tehran, Iran.
m.rayejian@samt.ac.ir

Abstract

Human dignity is one of the fundamental principles of human rights. It has been recognized in the light of philosophical as well as international theories and perspectives. Accordingly, all human beings are born free and equal in dignity and rights, and everyone is entitled to all international human rights without distinction of any kind, such as race, colour, sex, language, religion, political or other opinion, national or social origin, property, birth or other status. For this reason, today inherent dignity is regarded as one of the natural rights of mankind. From a philosophical viewpoint, human dignity is recognized in the Islamic perspective. At the international level, many documents and instruments, esp. at the United Nations system, have adopted the concrete norm of inherent dignity. From an interdisciplinary approach, the contemporary system of international human rights law has witnessed the recognition of a victimological attitude to the human dignity according to which fair treatment is defined as a fundamental rights of victims. This principle requires that a person is recognized a victim regardless of whether the perpetrator is identified, apprehended, prosecuted or convicted and regardless of the familial relationship between the perpetrator and the victim, as well as without distinction of any kind, such as race, colour, sex, age, language, religion, nationality, political or other opinion, cultural beliefs or practices, property, birth or family status, ethnic or social origin, and disability.

Keywords: Human Dignity, Inherent Dignity, Fair Treatment, Victim, Victims Rights

- Rajian Asli, M. (2024). Foundation's Treatment of The Dignity of The Victim in The Context of Philosophical and International Views of Human Dignity, *Journal of Islamic Human Rights*, 1(1), 1-14.



مجله حقوق بشر اسلامی

دوره اول - شماره اول - ۱۴۰۳

صفحات ۱-۱۴ (مقاله پژوهشی)

تاریخ: دریافت ۱۴۰۳/۰۲/۰۱ - پذیرش ۱۴۰۳/۰۴/۲۰ - انتشار ۱۴۰۳/۰۵/۲۶

رفتار کرامت‌بنیاد با بزه‌دیده در بستر دیدگاه‌های فلسفی و بین‌المللی کرامت انسانی

مهرداد رایجیان اصلی 

استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی «سمت»، تهران، ایران.
m.rayejian@samt.ac.ir

چکیده

کرامت انسانی از اصل‌های بنیادی حقوق بشر است که هم از دیدگاه فلسفی و هم بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است. به موجب آن، هر انسانی گذشته از ویژگی‌هایی مانند قومیت یا نژاد، جنس یا جنسیت، دین یا مذهب، ملیت یا خاستگاه و زادگاه، زبان یا گویش و دیگر ویژگی‌های مشابه، از کرامت یا حیثیت ذاتی بهره‌مند است. به همین دلیل، امروزه کرامت یا حیثیت انسانی را از حق‌های طبیعی بشر می‌شمارند. برای نمونه، از دیدگاه اسلامی، کرامت، نعمتی ست که خدا به بشر داده است که موجب می‌شود انسان و حیثیت او شایسته احترام باشد. از دیدگاه بین‌المللی نیز اصل کرامت انسانی که به طور معمول با تعبیر «حیثیت ذاتی» به کار می‌رود، یکی از هنجارهای شناخته‌شده حقوق بشری ست که در سند‌های بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است. از نظرگاهی میان‌رشته‌ای، یکی از نمودهای این اصل در بزه‌دیده‌شناسی به چشم می‌خورد که با مفهوم «رفتار منصفانه یا کرامت‌بنیاد با بزه‌دیده» بیان می‌شود. این مفهوم بزه‌دیده‌شناختی را می‌توان بر پایه هر دو دیدگاه فلسفی و بین‌المللی کرامت انسانی تبیین کرد. مقاله پیش رو، با روشی توصیفی - تحلیلی، این مفهوم را بر همین دو پایه بررسی می‌کند و نتیجه می‌گیرد که رفتار کرامت‌بنیاد با بزه‌دیده به مثابه یکی از حق‌های بنیادی بزه‌دیدگان، افزون بر بنیان‌های عقلی، اخلاقی و دینی، دارای بنیان‌های حقوقی و بین‌المللی ست.

کلیدواژه: کرامت انسانی، رفتار کرامت‌بنیاد، حیثیت ذاتی، بزه‌دیده، حق‌های بزه‌دیدگان

- رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۴۰۳). رفتار کرامت‌بنیاد با بزه‌دیده در بستر دیدگاه‌های فلسفی و بین‌المللی کرامت انسانی، مجله حقوق بشر اسلامی، (۱)، صفحات ۱-۱۴.

مقدمه

اصل کرامت انسانی، بیان گر یکی از حق‌های اساسی و بنیادی انسان است که پایه و اساس دیگر حق‌های او، به مثابه حقوق بشر شمرده می‌شود. در اهمیت و ضرورت این اصل گفته شده (رحیمی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۲۷) که پیشرفت و توسعه، به ویژه، توسعه پایدار در هر جامعه‌ای، در گرو رعایت کرامت انسانی افراد آن جامعه است. از این رو، در صورت نقض یا رعایت نشدن این اصل در مرحله عمل و اجرا، ارزش‌هایی مانند عدالت و دادگری، آزادی، برابری و صلح در روابط ملی و بین‌المللی، مفهوم و فلسفه وجودی خود را از دست می‌دهند و در این صورت، ظلم و ستم، بی‌عدالتی یا بیدادگری، خشونت و پادشاهی، جنگ و نزاع، تعرض و تجاوز، و تبعیض و آپارتاید جای این ارزش‌ها را خواهد گرفت.

از نظر واژگانی، کرامت در لغت معنای گوناگونی دارد که از آن جمله عبارت‌اند «کرامه، بزرگی ورزیدن ... جوانمرد گردیدن ... سخاوت و جوانمردی و نواخت و احسان و بزرگواری و بخشندگی و داد و دهش و بزرگواری داشتن کسی» (دهخدا، ۱۳۸۵: ۱۶۰۷۰). در نوشتگان خارجی (با محوریت زبان انگلیسی)، دانش‌نامه فلسفه استنفورد، واژه *dignity* را چنین تعریف می‌کند: «کرامت مفهومی پیچیده است که در بافتارهای دانشگاهی و حقوقی، به طور معمول به معنای شأن و منزلت یا حیثیت انسانی، در اشاره به نوعی ارزش یا جایگاه که به ظاهر به همه اشخاص به طور برابر تعلق دارد، به کار می‌رود...». در نوشتگان حقوقی خارجی، فرهنگ حقوقی بلک (Garner, 2009: 522)، نیز عبارت اصطلاح «کرامت»^۱ را به معنای «حالت نجابت و شرف و شرافتمند بودن، و بزرگ‌منشی و ارزشمند بودن»، تعریف می‌کند.

کرامت انسانی بر پایه این تعریف‌ها، بنیان اصلی مفهوم‌های گوناگونی در نوشتگان مختلف، از جمله در حقوق و علوم جنایی است. از این میان، کرامت انسانی را می‌توان بنیان اصلی مفهوم «رفتار کرامت‌بنیاد با بزه‌دیده» نیز انگاشت. این مفهوم در نوشتگان بزه‌دیده‌شناسی (به‌عنوان یکی از شاخه‌های علوم اجتماعی و جنایی)، بیان گر یکی از ستون‌های حق‌های بنیادی بزه‌دیدگان شناخته می‌شود. بر این اساس، رفتار کرامت‌بنیاد، که به آن «رفتار منصفانه»^۲ نیز گفته می‌شود، در کنار «دسترسی به دادگستری یا عدالت»^۳

1. dignity

2. fair treatment

3. access to justice

ستون‌های دو گانه حق‌های بنیادی بزه‌دیدگان را تشکیل می‌دهند (رایجیان اصلی، ۱۳۹۸: ۵۹ و ۶۲).

مقاله پیش‌رو، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از ابزار کتابخانه‌ای، بر مفهوم کرامت انسانی به‌عنوان بنیان نظری اصل رفتار کرامت‌بنیاد با بزه‌دیدگان تمرکز دارد.

۱. کرامت انسانی به‌عنوان بنیانی برای رفتار کرامت‌بنیاد

کرامت انسانی به‌عنوان بنیان اصلی رفتار کرامت‌بنیاد با بزه‌دیده، پیش از هر چیز دارای تبیین‌های عقلی - دینی است. بر این اساس، در دیدگاه اسلامی، از دو گانه کرامت ذاتی و کرامت اکتسابی سخن رفته است. از میان فیلسوفان معاصر، علامه طباطبایی کرامت انسان به دو گانه‌های تکوینی و اکتسابی یا طبیعی و الهی تقسیم‌پذیر می‌داند. از این میان، کرامت به معنای بهره‌مندی انسان از قابلیت‌ها و نعمت‌های بی‌بدیل و داشتن موقعیتی ممتاز در جهان آفرینش را که خدا به او بخشیده است، همان کرامت تکوینی یا طبیعی ست. در مقابل، دستیابی به کمالات انسانی و مقام قرب الهی که از گذر جهد و کوشش و رعایت تقوا به دست می‌آید، همان کرامت اکتسابی یا الهی است (محسنی حکمت، ۱۳۹۳: ۸۴).

علامه جعفری نیز کرامت ذاتی و حیثیت طبیعی را شامل همه انسان‌ها، تا جایی که با اختیار خود به جهت ارتکاب به خیانت و جنایت بر خویشان و دیگران آن را از خود سلب نکنند، تعریف می‌کند و در مقابل، کرامت اکتسابی یا ارزشی را از به کار انداختن استعدادها و نیروهای مثبت در وجود آدمی و تکاپو در مسیر رشد و کمال و خیرات ناشی می‌داند و بر این باور است که ارزش نهایی و غایی انسان به همین کرامت است (جعفری، ۱۳۷۰: ۲۷۹). در همین راستا، کرامت انسانی به دو گونه ذاتی و اکتسابی تحلیل شدنی است.

کرامت ذاتی که از آن به حیثیت ذاتی^۱ نیز یاد می‌شود، حقی است که همه انسان‌ها به صرف انسان بودن و بدون استثنا از آن بهره‌مندند و رنگ و نژاد و آیین و گویش و گرایش، جنسیت و وضعیت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و غیره در آن دخالت و تأثیری ندارند (رحیمی‌نژاد، همان: ۱۱۶). با توجه به این تعریف، تا هنگامی که عنوان انسان و بنی آدم، بر فرد صادق است، حرمت و کرامت او ذاتی است. روشن است که این کرامت و حرمت ذاتی نمی‌تواند بدون شناسایی حق‌های ذاتی برای حقیقت انسان تصور شود، زیرا

1. inherent

کرامت نوعی ارزش دادن و ترجیح انسان از جنبه انسانیت می‌باشد و این معنا، ایجاب می‌کند که انسان دارای حق‌های فطری، طبیعی و اجتماعی، مانند حق زندگی، حق آزادی اندیشه و بیان باشد. بر همین اساس، نمی‌توان صرف داشتن عقیده خاص را دلیل امتیازدهی در دادن حق‌های اجتماعی و شهروندی دانست، زیرا مقصود از کرامت ذاتی انسان، محمولی است که مقوم موضوع است؛ یعنی چیزی که تصور انسانیت انسان بدون آن ممکن نیست (نوبهار، ۱۳۸۲: ۳۷). به سخن دیگر، کرامت ذاتی، ارج و حرمتی است که انسان از آن رو که انسان است، از آن بهره‌مند است. این کرامت، جزء جداناپذیر از وجود انسان است و هیچ ارتباطی با باور، قومیت یا نژاد، دین یا مذهب، ملیت یا خاستگاه زایش و مانند این‌ها ندارد. به گونه‌ای که حتی با ارتکاب جرم نیز از آدمی سلب نمی‌شود. پس از دیدگاه بزه‌دیده‌شناختی، مفهوم رفتار کرامت بنیاد با بزه‌دیده نیز اقتضا دارد که با او باید با احترام و با رعایت شأن و منزلت یا حیثیت انسانی‌اش رفتار شود، زیرا موجودی است دارای کرامت ذاتی.

در مقابل کرامت ذاتی، کرامت اکتسابی، شرافتی است که انسان به صورت ارادی و از طریق به کار انداختن استعدادها و توانایی ذاتی خود در مسیر رشد، کمال و کسب فضیلت‌های اخلاقی، به دست می‌آورد (رحیمی‌نژاد، همان: ۱۱۸). به سخن دیگر، اگرچه همگان دارای شأن و منزلت و حیثیت برابرند (کرامت ذاتی)، اما انسان قادر است با به کار انداختن استعدادهای عالی خود، مراتب کمال انسانیت را طی کند و به درجه‌های عالی برسد (کرامت اکتسابی). بدین‌سان، رفتار انسانی منزلت‌های متفاوتی را ایجاد می‌کند. به همین دلیل است که افراد نسبت به یکدیگر برتری پیدا می‌کنند (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۰۱). ویژگی‌هایی مانند قومیت یا نژاد، زبان یا گویش، جنس یا جنسیت، و مانند این‌ها تفاوتی در کرامت انسانی ایجاد نمی‌کند. این متغیر درباره بزه‌دیدگان و رفتار کرامت‌بنیاد با آنان نیز درست است. از نظر تحلیلی می‌توان گفت که اگرچه همه انسان‌ها دارای کرامت‌اند (کرامت ذاتی)، اما انسان‌ها را می‌توان با معیار تقوا از یکدیگر تمایزگذاری کرد (کرامت اکتسابی). تمایزگذاری میان بزه‌کاران و بزه‌دیدگان، به ترتیب از نظرگاه مسئولیت جنایی و ضرورت بهره‌مندی از حمایت‌های قانونی نیز بر همین اساس توجیه‌پذیر است.

از نقطه نظر حق‌ها و آزادی‌ها، کرامت ارزشی تأثیری در حق‌های اجتماعی ندارد. به سخن دیگر، در حق‌های اجتماعی، همه انسان‌ها، گذشته از درجه ایمان و تقوای‌شان، از

این حق‌ها بهره‌مندند (نوبهار، همان: ۳۷). بهره‌مندی بزه‌دیدگان از حق‌های شناسایی شده‌ای که آنان را شایسته انواع حمایت‌های رسمی و نارسمی می‌سازد نیز از همین اصل پیروی می‌کند.

۲. کرامت انسانی در هنجارهای بین‌المللی

در سندهای بین‌المللی شناخته شده، از جمله منشور بین‌المللی حقوق بشر^۱ شامل اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) (UDHR, 1948)، و دو میثاق بین‌المللی حق‌های مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) (ICCPR, 1966) و حق‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی (۱۹۶۶) (ICESCR, 1966)، کرامت انسانی به معنای حیثیت ذاتی او و بر پایه مبانی عقلی، اخلاقی و اعتقادی/دینی (یعنی قدرت تعقل و تفکر، آزادی، اراده و اختیار) پذیرفته و به رسمیت شناخته شده است.

در منشور بین‌المللی حقوق بشر، شناسایی این حیثیت برای همه اعضای خانواده بشری، مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان شناخته شده است (رحیمی‌نژاد، همان: ۱۲۲). این حق‌ها به مثابه حقوق بشر، ناشی از حیثیت ذاتی شخص انسان است (مقدمه میثاق بین‌المللی حق‌های مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد: ICCPR, 1966). بر این اساس، تکیه بر استقلال ذاتی، شخصیت و وجدان اخلاقی انسان، در توجیه کرامت انسانی در نظام بین‌المللی حقوق بشر را می‌توان موضوعی دانست که از دیدگاه عقلی، اخلاقی و دینی، با آرمان‌های حقوق بشر پیوند می‌خورد و زمینه هم‌گرایی آموزه‌های دینی و حقوق بشر را فراهم می‌آورد (رحیمی‌نژاد، همان: ۱۲۳).

با توجه به اطلاق و عموم سندهای بین‌المللی حقوق بشری در شناسایی و تضمین این حق‌ها، گستره و شمول آن‌ها همه بزه‌دیدگان را نیز دربر می‌گیرد. از این میان، اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، با تأکید بر حق کرامت انسانی، آن را به عنوان یک هنجار بین‌المللی به رسمیت شناخته است. مقدمه این اعلامیه بر کرامت انسانی ذاتی به شرح زیر تأکید می‌ورزد که عمومیت آن را نه تنها شامل بزه‌دیدگان بلکه حتی بزه‌کاران نیز می‌توان دانست:

«از آنجا که شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال‌ناپذیر آنان اساس آزادی و عدالت و صلح را در جهان تشکیل می‌دهد ... مجمع

1. International Bill of Human Rights

عمومی این اعلامیه جهانی، حقوق بشر را، آرمان مشترکی برای تمام مردم و کلیه ملل اعلام می‌کند تا جمیع افراد و همه ارکان اجتماع این اعلامیه را دائماً مدنظر داشته باشند» (UDHR, 1948).

بدین سان، حیثیت ذاتی بشر که پایه و اساس حق‌های بنیادی آنان شمرده می‌شود، بنیانی برای رفتار کرامت‌بنیاد با بزه‌دیدگان نیز به شمار می‌رود.

ماده ۱ این اعلامیه نیز در ادامه اذعان می‌دارد: «تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند، همه دارای عقل و وجدان هستند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند» (UDHR, 1948).

این برابری در حیثیت و حق‌ها، بنیانی برای رفتار کرامت‌بنیاد با بزه‌دیدگان نیز شناخته می‌شود که ایجاب می‌کند با همه بزه‌دیدگان با روح برادری رفتار شود.

ماده ۲ این اعلامیه نیز با تأکید بر هنجار بین‌المللی منع تبعیض بیان می‌دارد: «هرکس می‌تواند بدون هیچ‌گونه تمایز، مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و کلیه آزادی‌هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است، بهره‌مند گردد» (UDHR, 1948).

بر این اساس، شناسایی حق‌های بزه‌دیدگان و حمایت از آنان نیز باید بدون هیچ‌یک از این تمایزها به رسمیت شناخته شده و اعمال شوند.

حتی ماده ۵ این اعلامیه را در بیان هنجار منع شکنجه، که مقرر می‌دارد: «حدی را نمی‌توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرارداد که ظالمانه و یا برخلاف انسانیت و شئون بشری یا موهن باشد» (UDHR, 1948)، می‌توان پایه‌ای برای رفتار کرامت‌بنیاد با بزه‌دیده تفسیر کرد، زیرا شکنجه رفتاری مجرمانه است که چنین رفتاری را از اساس نقض می‌کند.

افزون بر مقرره‌های اعلامیه جهانی حقوق بشر، در مقدمه میثاق بین‌المللی حق‌های مدنی و سیاسی (مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ همراه با میثاق بین‌المللی حق‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد) نیز بر هنجار بین‌المللی کرامت انسانی ذاتی تأکید شده است:

«دولت‌های طرف این میثاق با توجه به اینکه بر اصولی که در منشور ملل متحد اعلام گردیده است شناسایی حیثیت ذاتی و حقوق یکسان و غیر قابل انتقال کلیه اعضای خانواده

بشر مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان است با اذعان به اینکه حقوق مذکور ناشی از حیثیت ذاتی شخص انسان است» (ICCPR, 1966; ICESCR, 1966).

با توجه به تصریح این مقررہ بر ناشی شدن حقوق بشر از حیثیت ذاتی شخص انسان، می‌توان گفت که رفتار کرامت‌بنیاد با بزه‌دیده به‌عنوان یکی از ستون‌های اصلی حق‌های بزه‌دیده، از همین کرامت ذاتی ناشی می‌شود.

افزون بر هنجارهای مندرج در منشور بین‌المللی حقوق بشر، سندهای بین‌المللی دیگری هم بر کرامت انسانی به منزله بنیانی برای حقوق بشر (و برای رفتار کرامت‌بنیاد با بزه‌دیده، در اینجا) اذعان داشته‌اند. از این میان، کنوانسیون بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض نژادی (مصوب ۲۱ دسامبر ۱۹۶۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد)، که در سال ۱۹۶۹ قدرت اجرایی پیدا کرد) نیز هنجار بین‌المللی کرامت انسانی را به رسمیت شناخته است: «با در نظر گرفتن این که منشور ملل متحد بر اصل‌های کرامت و برابری ذاتی همه انسان‌ها مبتنی است...» (ICERD, 1969).

بدین‌سان، اذعان بر منشور ملل متحد به‌عنوان سنگ بنای هنجارهای بین‌المللی حقوق بشر، بیان‌گر تسری هنجار کرامت انسانی بر کلیه سندهای بین‌المللی پس از آن است که در نتیجه، هنجار ناظر بر رفتار کرامت‌بنیاد با بزه‌دیده را دربر می‌گیرد. کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها و کیفرهای خشن، نا انسانی و تحقیرآمیز (مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد)، که در سال ۱۹۸۷ قدرت اجرایی پیدا کرد، نیز هنجار بین‌المللی کرامت انسانی را چنین به رسمیت می‌شناسد: «با در نظر داشتن اینکه حق‌های یادشده برآمده از کرامت ذاتی آحاد بشرند...» (CAT, 1984).

بر این اساس، از آنجا شکنجه به‌عنوان یکی از مصداق‌های برجسته جنایت‌های بر بشریت در گفتمان حقوق جنایی بین‌المللی معاصر شناخته می‌شود، موضوع حمایت از بزه‌دیدگان آن اهمیت و ضرورتی دوچندان پیدا می‌کند و ازاین‌رو، هنجار کرامت انسانی را باید بنیان رفتار کرامت‌بنیاد با بزه‌دیدگان شکنجه نیز به شمار آورد. به‌عنوان آخرین نمونه، در مقدمه کنوانسیون لغو همه شکل‌های تبعیض نسبت به زنان (مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد) که در سال ۱۹۸۱ قدرت اجرایی پیدا کرده، از هنجار بین‌المللی کرامت انسانی چنین یاد شده است:

«با عنایت به اینکه منشور ملل متحد بر پابندی به حق‌های اساسی بشر، مقام و منزلت هر فرد انسانی و برابری حق‌های زن و مرد تأکید دارد...»
... با توجه به اینکه اعلامیه جهانی حقوق بشر بر اصل جایز نبودن تبعیض تأکید داشته و اعلام می‌دارد که کلیه افراد بشر آزاد به دنیا آمده و از نظر منزلت و حق‌های یکسان بوده‌اند...» (CEDAW, 1979).

بنابراین، از آنجا زنان به عنوان یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر در برابر جرم و بزه‌دیدگی شناخته می‌شوند، هنجار بین‌المللی کرامت انسانی را باید بنیانی برای رفتار کرامت‌بنیاد با این گروه از بزه‌دیدگان خاص نیز به شمار آورد.

۳. مسئله نقض کرامت انسانی

اگرچه اصل کرامت انسانی از نظر عقلی، اخلاقی و اعتقادی/دینی به طور مسلم در جهان و نیز در نظام بین‌المللی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه پذیرفته و به رسمیت شناخته شده است و کرامت انسانی به وسیله استانداردها و هنجارهای بین‌المللی حقوق بشر که رفتار و اقدام‌های دولت‌ها را به شیوه‌هایی که منجر به نقض کرامت انسانی می‌شود، محدود یا ممنوع می‌کنند، حفظ و حمایت می‌شود، اما نقض کرامت انسانی در عمل گریزناپذیر به نظر می‌رسد (قربان‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۲۲-۱۲۱)؛ از آن جمله‌اند وضعیت گروه‌های سالمند، کم‌توان، بیماران روانی، زنان و کودکان که شوربختانه به عنوان سوژه‌هایی برای سوء استفاده و بهره‌کشی، شناخته می‌شوند. همچنین است شبیه‌سازی موجودات بشری نیز که در تضاد با اصل کرامت انسانی قرار می‌گیرد. این موضوع در کنوانسیون حمایت از حقوق بشر و کرامت انسان درخصوص کاربرد زیست‌شناسی و پزشکی (به اختصار: کنوانسیون حقوق بشر و زیست‌پزشکی یا کنوانسیون اُوییدو مصوب ۱۹۹۷) (Oviedo Convention, 1997) و پروتکل‌های آن (ETS No. 168; ETS No. 186; CETS No. 195; CETS No. 203) تصریح شده است، به گونه‌ای که در ماده یک این سند، هرگونه مداخله ژنتیکی که هدف آن ایجاد انسانی باشد که از لحاظ ژنتیکی با انسان دیگر اعم از زنده یا مرده همسان باشد، ممنوع شمرده شده است. ماده شش پروتکل مزبور نیز ابزار شدن انسان‌ها از طریق خلق انسان‌هایی که از لحاظ ژنتیک همگون هستند را مغایر با شأن و کرامت بشر دانسته است؛ همچنان‌که ماده یازده اعلامیه جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر (۱۹۷۷) نیز آن را مقرر نموده است.

افزون بر این‌ها، به کارگیری بدن انسان و اجزای آن به‌عنوان منبع کسب درآمد و نقض بسیاری از حقوق بشر از جمله شکنجه و رفتارهای غیرانسانی بی‌گمان مغایر با کرامت انسانی شمرده می‌شوند. سرانجام، در آغاز سده بیست و یکم، اساسنامه دیوان جنایی بین‌المللی (۱۹۹۹) (Rome Statute, 1999) در موضوع جنایت‌های بین‌المللی، ضرورت مبارزه با این جنایت‌ها را مبتنی بر همین کرامت ذاتی انسان دانسته است (قربان‌نیا، همان).

۴. ضرورت رعایت احترام به کرامت انسانی بزه‌دیده

احترام به کرامت انسانی بزه‌دیده یکی از حق‌های بنیادی او به شمار می‌رود که بر پایه آن، با بزه‌دیده به مثابه یک انسان، گذشته از باورها، رنگ، نژاد، متهم یا بزه‌کار بودن یا نبودن، باید با احترام و رعایت شأن و منزلت انسانی او رفتار شود. بدیهی ست که بزه‌دیده به‌عنوان یک فرد انسانی از این اصل مهم بنیادی مستثنا نیست.

در پرتو دیدگاه بین‌المللی، منشور بین‌المللی بزه‌دیدگان، که می‌توان آن را هم‌تراز با منشور بین‌المللی حقوق بشر در پهنه بزه‌دیدگان انگاشت، بر شناسایی و تضمین رفتار کرامت‌بنیاد مبتنی بر هنجار کرامت انسانی تصریح و تأکید ورزیده است. به موجب اعلامیه اصل‌های بنیادی دادگری یا عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت (مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۹۸۵)، که آن را می‌توان ستون این منشور دانست، «با بزه‌دیدگان باید با دل‌سوزی و هم‌دردی و احترام به کرامت‌شان رفتار شود ...» (ماده ۴ اعلامیه ۱۹۸۵) (UN Declaration 1985). پیش از آن، ماده ۳ اعلامیه ۱۹۸۵ با تمرکز بر هنجار منع تبعیض با بزه‌دیدگان، تصریح کرده است که «مقرره‌های این [سند] نسبت به همه بزه‌دیدگان بدون هیچ تمایزی از قبیل نژاد، رنگ، جنس، سن، زبان، دین، ملیت، باور سیاسی یا هر باور دیگری، باورها و رویه‌های فرهنگی، دارایی‌ها، وضعیت زایش و خانوادگی، خاستگاه قومی یا اجتماعی، و کم‌توانی اعمال‌پذیر است».

با شناسایی و تضمین هم‌تراز این موضوع در پرتو هر دو دیدگاه اسلامی و بین‌المللی، بدیهی است که سامانه‌های حقوقی داخلی یا ملی نیز نمی‌توانند خود را بی‌نیاز و مبرا از رعایت و تضمین این اصل و هنجار مهم بدانند. بر همین اساس، در ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ که از سوی مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده است و جزء مهم‌ترین قانون‌های شکلی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود،

بزه‌دیده شخصی تعریف شده است که از وقوع جرمی متحمل ضرر و زیان می‌شود و چنانچه تعقیب متهم را درخواست کند، شاکی و هرگاه جبران ضرر و زیان وارد بر خود را نیز مطالبه کند، مدعی خصوصی نامیده می‌شود. در همین راستا، ماده ۹ همان قانون، حق اقامه دعوی خصوصی برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم و نیز مطالبه کیفرهایی را که به موجب قانون، حق خصوصی بزه‌دیده است (مانند قذف و قصاص)، برای بزه‌دیده به رسمیت شناخته است، زیرا جرم‌های منشأ این کیفرها، پیش و بیش از هر چیز، به منزله نقض اصل کرامت انسانی و رفتار منصفانه یا کرامت‌بنیاد با بزه‌دیده انگاشته می‌شوند. همچنین، با توجه به ماده ۶ از همان قانون، بزه‌دیده در کنار متهم و سایر افراد درگیر در فرایند عدالت جنایی، باید از حق‌های خود در این فرآیند آگاه شوند و سازوکارهای رعایت و تضمین این حق‌ها نیز برایش فراهم گردد.

بدیهی ست که پایه و اساس این حق‌های بنیادی همانا رفتار منصفانه یا کرامت‌بنیاد با بزه‌دیده بر مبنای اصل کرامت انسانی ست که با توجه به اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مستلزم انطباق با شرع اسلام است. به سخن دیگر، تصویب قانون آیین دادرسی کیفری، به‌عنوان یک قانون موضوعه، با تأیید شورای نگهبان، به‌عنوان مرجع اصلی تشخیص و احراز انطباق قانون مجلس شورای اسلامی با شرع اسلام و قانون اساسی، بر حاکمیت اصول و آموزه‌های اسلام بر آن قانون و مقرره‌های مندرج در آن صحنه می‌گذارد. از این‌رو، مفاد مواد ۶، ۱۰-۹ قانون آیین دادرسی کیفری که بر تعریف بزه‌دیده و شناسایی حق‌های او دلالت دارند، براساس این استدلال، مبتنی بر اصول و آموزه‌های اسلامی در زمینه اصل کرامت انسانی تفسیرشدنی‌اند.

نتیجه‌گیری

اصل رفتار کرامت‌بنیاد به‌عنوان یکی از اصل‌های راهبردی در حمایت از بزه‌دیدگان ایجاب می‌کند که رفتار همه کسانی که به‌گونه‌ای با بزه‌دیدگان در ارتباط‌اند، با احترام و دلسوزی و بی‌طرفی و همراه با هم‌دردی و هم‌دلی و رازداری باشد. این اصل به‌عنوان یک وظیفه، همه افراد، نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی در سطح ملی و بین‌المللی را شامل می‌شود و در تمام سطوح تقنینی، قضایی و اجرایی در یک سامانه حقوقی و قضایی نیز مصداق پیدا می‌کند. در صورت عدم رعایت یا نقض این اصل بنیادی، یعنی چنانچه هر

شخص حقیقی یا حقوقی با سرباززدن از این وظیفه، به نوعی با بی‌احترامی و رفتار مناسب با بزه‌دیدگان برخورد نماید، نه تنها یکی از حق‌های بنیادی او را نادیده گرفته و پایمال کرده است، بلکه ممکن است بزه‌دیده را در معرض یک بزه‌دیدگی یا قربانی شدن دومین و تبعی قرار دهد که آثار منفی و زیان‌بار آن اگر بیش از بزه‌دیدگی اصلی (ناشی از جرم ارتكابی) نباشد، کمتر از آن نیست.

اصل کرامت انسانی شامل همهٔ انسان‌ها از هر نژاد و ملیت و مذهب و زبان و غیره می‌شود و از نظر حقوقی نیز فرقی میان بزه‌کار و نابزه‌کار از این جهت نیست؛ هرچند هر کسی مرتکب جرمی شود، از نظر معیارهای مسئولیت جنایی پاسخگوی جرم ارتكابی خویش خواهد بود و لازم است در مقام جبران بزه‌دیدگی قربانی جرم خود نیز برآید. از نظر تقسیم‌بندی کرامت انسانی، کرامت ذاتی منشأ تفاوت میان افراد انسانی نیست بلکه کرامت اکتسابی است که می‌تواند منشأ چنین تفاوتی باشد و برای نمونه بین بزه‌کاران و بزه‌دیدگان فرق بگذارد. از دیدگاه بین‌المللی نیز نه تنها از اطلاق و عموم منشور بین‌المللی حقوق بشر، می‌توان ناشی شدن رفتار کرامت‌بنیاد از هنجار کرامت انسانی را برداشت کرد، بلکه منشور بین‌المللی بزه‌دیدگان نیز به روشنی این اصل و هنجار مهم را تأیید می‌کند.

منابع

- جعفری، محمدتقی. (۱۳۷۰). حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب، تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۸۵). لغت‌نامه، تهران، دانشگاه تهران.
- رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۹۸). بزه‌دیده‌شناسی، جلد یکم: درس گفتارهای تألیفی، چاپ دوم (ویراست یکم)، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی (پژوهشکده حقوق شهر دانش).
- رحیمی‌نژاد، اسمعیل. (۱۳۹۰). نگرش اسلامی به کرامت انسانی. معرفت حقوقی، سال اول، شماره دوم، نوبت زمستان، صفحات ۱۲۶-۱۱۳ (سامانه نشریات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره).
- قربان‌نیا، ناصر. (۱۳۸۷). حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه، چاپ اول: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- محسنی (حکمت)، محمدآصف. (۱۳۹۳). کرامت اکتسابی انسان از دیدگاه علامه طباطبائی، معرفت کلامی، سال پنجم، شماره اول، نوبت بهار و تابستان، صفحات ۸۱-۱۰۲.

- نوبهار، رحیم. (۱۳۸۲). دین و کرامت انسانی، در: مبانی نظری حقوق بشر (مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی حقوق بشر، ۲۷ و ۲۸ اردیبهشت، قم، دانشگاه مفید).
- هاشمی، سیدمحمد. (۱۳۸۴). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ ششم، تهران، بنیاد حقوقی میزان.

References

- Additional Protocol to the Convention for the Protection of Human Rights and Dignity of the Human Being with regard to the Application of Biology and Medicine, on the Prohibition of Cloning Human Beings (ETS No. 168), at https://www.coe.int/web/portal/home?p_p_id=com_liferay_journal_web_portlet_JournalPortlet&p_p_lifecycle=0&p_p_state=pop_up&p_p_mode=view&_com_liferay_journal_web_portlet_JournalPortlet_groupId=2657384&_com_liferay_journal_web_portlet_JournalPortlet_mvcPath=%2Fpreview_article_content.jsp&_com_liferay_journal_web_portlet_JournalPortlet_articleId=11783751&_com_liferay_journal_web_portlet_JournalPortlet_version=1.5 (12 December 2023)
- Additional Protocol to the Convention on Human Rights and Biomedicine concerning Transplantation of Organs and Tissues of Human Origin (ETS No. 186), at https://www.coe.int/web/portal/home?p_p_id=com_liferay_journal_web_portlet_JournalPortlet&p_p_lifecycle=0&p_p_state=pop_up&p_p_mode=view&_com_liferay_journal_web_portlet_JournalPortlet_groupId=2657384&_com_liferay_journal_web_portlet_JournalPortlet_mvcPath=%2Fpreview_article_content.jsp&_com_liferay_journal_web_portlet_JournalPortlet_articleId=11783751&_com_liferay_journal_web_portlet_JournalPortlet_version=1.5 (12 December 2023)
- Additional Protocol to the Convention on Human Rights and Biomedicine, concerning Biomedical Research (CETS No. 195), at https://www.coe.int/web/portal/home?p_p_id=com_liferay_journal_web_portlet_JournalPortlet&p_p_lifecycle=0&p_p_state=pop_up&p_p_mode=view&_com_liferay_journal_web_portlet_JournalPortlet_groupId=2657384&_com_liferay_journal_web_portlet_JournalPortlet_mvcPath=%2Fpreview_article_content.jsp&_com_liferay_journal_web_portlet_JournalPortlet_articleId=11783751&_com_liferay_journal_web_portlet_JournalPortlet_version=1.5 (12 December 2023)
- Additional Protocol to the Convention on Human Rights and Biomedicine concerning Genetic Testing for Health Purposes (CETS No. 203), at https://www.coe.int/web/portal/home?p_p_id=com_liferay_journal_web_portlet_JournalPortlet&p_p_lifecycle=0&p_p_state=pop_up&p_p_mode=view&_com_liferay_journal_web_portlet_JournalPortlet_groupId=2657384&_com_liferay_journal_web_portlet_JournalPortlet_mvcPath=%2Fpreview_article_content.jsp&_com_liferay_journal_web_portlet_JournalPortlet_articleId=11783751&_com_liferay_journal_web_portlet_JournalPortlet_version=1.5

- Convention against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment (CAT, 1984), at <https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/convention-against-torture-and-other-cruel-inhuman-or-degrading> (12 December 2023)
- Convention for the Protection of Human Rights and Dignity of the Human Being with regard to the Application of Biology and Medicine (Oviedo Convention, 1997), at <https://www.coe.int/en/web/bioethics/oviedo-convention> (12 December 2023)
- Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women (CEDAW, 1979), at <https://www.ohchr.org/Documents/ProfessionalInterest/cedaw.pdf> (12 December 2023)
- Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power (Declaration 1985), at <https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/declaration-basic-principles-justice-victims-crime-and-abuse#:~:text=Victims%20should%20be%20treated%20with,harm%20that%20they%20have%20suffered> (12 December 2023)
- Dignity. Stanford Encyclopedia of Philosophy. First published Sat Feb 18, 2023, <https://plato.stanford.edu/entries/dignity/>
- Garner, Brian, [Ed.] (2009) Black's law Dictionary, Ninth Edition, U.S.A.: Thomson & West Publisher.
- International Bill of Human Rights, at <https://www.ohchr.org/en/what-are-human-rights/international-bill-human-rights> (12 December 2023)
- International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR, 1966), at <https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/international-covenant-civil-and-political-rights> (12 December 2023)
- International Covenant on Economic Social and Cultural Rights (ICESCR, 1966), at <https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/international-covenant-economic-social-and-cultural-rights> (12 December 2023)
- International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination (ICERD, 1969), at <https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/international-convention-elimination-all-forms-racial> (12 December 2023)
- Rome Statute (1999), at <https://www.icc-cpi.int/sites/default/files/RS-Eng.pdf> (12 December 2023)
- The Universal Declaration of Human Rights (UDHR, 1948), at <https://www.un.org/sites/un2.un.org/files/2021/03/udhr.pdf> (12 December 2023)